تحلیل

قیمت نفت افزایش یافت

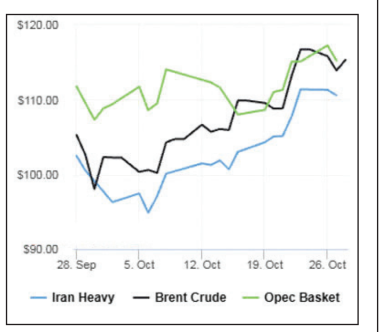

قیمت نفت روز چهارشنبه، در پی حمله به یک پالایشگاه در عربستان سعودی و تجدید نگرانی‌ها در مورد خطرات احتمالی برای عرضه نفت در خاورمیانه، افزایش یافت. به گزارش ایسنا، قیمت معاملات آتی نفت خام برنت با ۱.۴۸ دلار معادل ۱.۳ درصد افزایش، به ۱۱۵.۳۶ دلار در هر بشکه رسید. قیمت نفت خام «وست تگزاس اینترمدیت» (WTI) امریکا نیز با ۱.۲۲ دلار معادل ۱.۲۲ درصد افزایش، به ۱۰۱.۱۲ دلار در هر بشکه رسید. نیروهای یمنی روز سه‌شنبه اعلام کردند که بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت عربستان سعودی را هدف حمله موشکی قرار داده‌اند؛ اقدامی که شدت حملات آنها علیه دومین تولیدکننده بزرگ نفت خام جهان را افزایش می‌دهد. مقامات سعودی هنوز این حمله به تاسیساتی با ظرفیت پالایش ۵۵۰ هزار بشکه در روز را تایید نکرده‌اند. این افزایش قیمت در حالی رخ داد که قیمت‌ها روز سه‌شنبه با کاهش نگرانی‌ها در مورد عرضه نفت، نزدیک به ۲ دلار کاهش یافته بودند. روند صعودی قیمت نفت در حالی شکل گرفت که انتظار می‌رفت داده‌ها نشان‌دهنده افزایش ذخایر نفت خام در ایالات متحده باشند. براساس نظرسنجی خبرگزاری رویترز از هشت تحلیلگر، ذخایر نفت خام امریکا در هفته منتهی به ۲۳ اکتبر، حدود ۱۵ هزار بشکه افزایش یافته است. سه منبع آگاه به رویترز گفتند: انتظار می‌رود کشورهای تولیدکننده نفت عضو گروه «اوپک پلاس» در نشست روز یکشنبه، اهداف تولید نفت خود برای ماه دسامبر را بدون تغییر حفظ کنند که با انتظارات بازار همخوانی دارد. میزان تولید در اکثر هفت عضو اصلی اوپک پلاس -شامل عربستان سعودی، روسیه، عراق، کویت، الجزایر، قزاقستان و عمان- کمتر از اهداف تعیین شده برای تولید آنهاست. براساس گزارش رویترز، همچنین معامله‌گران گفتند صادرات نفت خام روسیه از بنادر این کشور در دریای بالتیک و دریای سیاه ممکن است در ماه آینده کاهش یابد، زیرا پالایشگاه‌های داخلی روسیه، به دنبال توافقی که در ماه جاری با واشنگتن حاصل شد، تولید گازوییل را افزایش داده‌اند.

خبر

خط لوله ۲۵ میلیارد دلاری نقشه کانادا برای کاهش وابستگی به امریکا

کانادا با طرح خط لوله ۲۵ میلیارد دلاری به دنبال تنوع‌بخشی به صادرات نفت و کاهش وابستگی به امریکاست. به گزارش تسنیم، رویترز در گزارشی عنوان کرده که کانادا در واکنش به تنش‌های تجاری با امریکا و افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیک در بازار انرژی، به دنبال توسعه زیرساخت‌های انتقال نفت و گسترش صادرات به بازارهای آسیایی است؛ راهبردی که از الگوی عربستان سعودی برای ایجاد مسیرهای جایگزین صادرات نفت الهام می‌گیرد. طرح احداث خط لوله جدیدی از استان آلبرتا به سواحل غربی کانادا با ظرفیت انتقال روزانه یک میلیون بشکه نفت، یکی از محورهای اصلی این راهبرد است. اجرای این پروژه می‌تواند ظرفیت صادرات نفت کانادا از مسیر اقیانوس آرام را افزایش دهد و امکان دسترسی مستقیم‌تر به بازارهای آسیایی را فراهم کند. هزینه اجرای این طرح بین ۳۵،۲ تا ۴۳،۷ میلیارد دلار کانادا برآورد شده است که معادل حدود ۲۵ میلیارد دلار امریکا در برآورد گزارش است. دولت کانادا انتظار دارد ساخت این خط لوله از سپتامبر ۲۰۲۷ آغاز شود و بخش عمده هزینه‌های پروژه نیز از محل منابع عمومی تامین شود. کانادا با وجود قرار گرفتن در میان بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت جهان، وابستگی قابل توجهی به بازار امریکا دارد. برآوردهای مطرح‌شده در گزارش نشان می‌دهد حدود ۹۰ درصد صادرات نفت این کشور راهی بازار امریکا می‌شود؛ موضوعی که در شرایط تشدید اختلافات تجاری و اعمال تعرفه‌ها، به یکی از ریسک‌های راهبردی بخش انرژی کانادا تبدیل شده است. براساس این گزارش، تولید نفت کانادا در سال ۲۰۲۵ از ۶ میلیون بشکه در روز فراتر رفت. با این حال، تمرکز بخش عمده صادرات در یک بازار، قدرت مانور این کشور را در برابر تغییرات سیاست تجاری امریکا محدود می‌کند. دولت کانادا در پی آن است که با توسعه مسیرهای صادراتی جدید، ضمن حفظ بازار امریکا، مشتریان بیشتری به‌ویژه در آسیا جذب کند. این راهبرد می‌تواند وابستگی به یک مقصد صادراتی را کاهش دهد و در مذاکرات تجاری نیز موقعیت تولیدکنندگان کانادایی را تقویت کند. تجربه عربستان سعودی یکی از مبانی اصلی این رویکرد است. این کشور پس از جنگ ایران و عراق، خط لوله شرق به غرب را توسعه داد تا امکان انتقال نفت از میادین شرقی به بندر ینبع در ساحل دریای سرخ فراهم شود. این مسیر به عربستان اجازه می‌دهد بخشی از نفت خود را بدون عبور از تنگه هرمز صادر کند؛ مزیتی که در زمان اختلال در کشتیرانی منطقه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. تفاوت اصلی وضعیت کانادا با عربستان در نوع آسیب‌پذیری صادرات است. در حالی که عربستان به دنبال کاهش ریسک ناشی از اختلال در یک مسیر راهبردی دریایی است، کانادا می‌خواهد وابستگی صادرات خود به یک مشتری بزرگ را کاهش دهد. با این حال، منطق اقتصادی هر دو راهبرد مشابه است: ایجاد گزینه‌های جایگزین برای جلوگیری از اختلال در درآمدهای انرژی. توسعه زیرساخت‌های انتقال نفت و گاز در ساحل اقیانوس آرام، بخشی از تلاش کانادا برای افزایش حضور در بازارهای آسیایی است. خط لوله TransMountain که در سال ۲۰۲۴ افتتاح شد، ظرفیت انتقال نفت به سواحل غربی را افزایش داده است. همچنین تأسیسات صادرات گاز طبیعی مایع‌شده کانادا در ساحل اقیانوس آرام در سال ۲۰۲۵ فعالیت خود را آغاز کرد. کانادا امیدوار است با توسعه این زیرساخت‌ها، صادرات انرژی به کشورهایی مانند چین و ژاپن را افزایش دهد و از تقاضای بازارهای آسیایی برای منابع انرژی بهره ببرد.

«تعادل» گزارش می‌دهد

دیپلماسی خطوط لوله در میانه توفان‌های ژئوپلیتیک

بازارهای جهانی انرژی همواره بر بستر شکننده‌ای از محاسبات سیاسی، امنیت آبراه‌ها و توازن ژئوپلیتیک نفس کشیده‌اند، اما آنچه امروز در جغرافیای خاورمیانه و گستره اوراسیا می‌گذرد، صرفاً یک تنش گذرا در قیمت‌گذاری نفت خام نیست، بلکه بازتنظیم ساختاری و لرزان کل معماری امنیت انرژی دنیاست. حضور هیات عالیرتبه ایران در اجلاس سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) و رایزنی‌های فشرده در حاشیه آن، حامل پیامی دوگانه برای جامعه جهانی بود؛ از یک‌سو، هشدار صریح نسبت به پیامدهای مخرب و دومینووار درگیری‌های نظامی بر شریان‌های انتقال هیدروکربن و ازسوی دیگر، رونمایی از نقشه راه جدید ایران برای بازتعریف خود به عنوان لنگرگاه و شاهراه تبادلات گازی منطقه.

واقعیت این است که اقتصاد جهان بیش از هر زمان دیگری در برابر اختلال در عرضه حامل‌های انرژی آسیب‌پذیر شده است. شریان‌های حیاتی انتقال گاز و نفت در حوزه خلیج‌فارس، دریای خزر و کریدورهای انتقال به اروپا، مانند رگ‌های به‌هم‌پیوسته‌ای هستند که هرگونه انسداد در نقطه‌ای از آنها، تشنج را به سراسر پیکره صنعتی غرب و شرق پمپاژ می‌کند. در چنین مختصاتی، نادیده گرفتن وزن ژئوپلیتیک بازیگران اصلی گاز، هزینه‌ای گزاف برای کل زنجیره جهانی خواهد داشت.

ماهیت گاز طبیعی با نفت خام تفاوت بنیادین دارد. نفت را می‌توان ذخیره‌سازی کرد، با نفتکش‌های غول‌پیکر مسیرهای طولانی را تغییر داد یا حتی به صورت شناور نگه داشت، اما زنجیره ارزش گاز، محصور در خطوط لوله پیچیده، تأسیسات مایع‌سازی (LNG) و ایستگاه‌های تقویت فشار بسیار حساسی است که بازیابی آنها در صورت بروز آسیب، ماه‌ها و حتی سال‌ها به درازا می‌کشد.

هنگامی که مناقشات امنیتی به آبراه‌های استراتژیک مانند تنگه هرمز و دریای سرخ کشیده می‌شود یا ریسک‌های جنگی بیمه‌های دریانوردی را سرسام‌آور می‌کند، بهای گاز طبیعی در قطب‌های معاملاتی اروپا و آسیا رفتاری انفجاری در پیش می‌گیرد. پیامدهای چنین وضعیتی به مرزهای خاورمیانه محدود نمی‌ماند:

شوک سمت عرضه به صنایع پایه‌ای: تعطیلی یا کاهش فعالیت در صنایع پتروشیمی، فولاد و کودهای شیمیایی در غرب، زمینه را برای بازگشت موج‌های جدید تورم جهانی هموار می‌سازد.

شکنندگی امنیت شبکه برق: وابستگی نیروگاه‌های برق مدرن به خوراک پایدار گاز طبیعی باعث می‌شود که هرگونه بی‌ثباتی در صادرات گاز خاورمیانه و اوراسیا، خطر خاموشی‌های گسترده را در کلان‌شهرهای صنعتی تقویت کند.

شکست محاسبات مصرف‌کنندگان بزرگ: تجربه‌های اخیر نشان داد که اتکای صِرف به منابع جایگزین سریع بدون لحاظ کردن ظرفیت‌های عظیم خاورمیانه و روسیه، تنها به بحران‌های ژرف‌تر ساختاری می‌انجامد.

بر همین اساس، هشداری که در روزهای اخیر از تریبون‌های بین‌المللی انرژی داده شد، نه یک موضع‌گیری تبلیغاتی، بلکه بازتاب یک حقیقت فنی و اقتصادی عریان بود: «جنگ، شریان‌های عرضه انرژی را کور می‌کند و دود این نابینایی استراتژیک، پیش از همه به چشم اقتصادهای مصرف‌کننده در غرب و آسیا خواهد رفت.»

درست در روزهایی که التهابات منطقه‌ای به نقطه جوش رسیده، تهران بازی پیچیده و چندوجهی جدیدی را رقم زده است. هم‌راستایی سطح اول دیپلماسی سیاسی با تیم‌های ارشد نفت و گاز در حاشیه نشست GECF نشان می‌دهد که نگاه کشور به حوزه انرژی از یک درآمدزایی ساده فراتر رفته و به ابزاری پایدار برای بازدارندگی و توسعه عمق استراتژیک تبدیل شده است.

برگزاری جلسات دوجانبه با مقامات ارشد فدراسیون روسیه و جمهوری آذربایجان، فصل نوینی از شراکت در حوزه زیرساخت‌های بالادستی و پایین‌دستی را رقم می‌زند. محور اصلی این تحرکات را می‌توان در چند لایه تحلیل کرد:

اتصال شبکه‌های خطوط لوله روسیه به زیرساخت‌های توزیع ایران از طریق جمهوری آذربایجان، نه تنها رویای قدیمی مسکو برای دسترسی مستقیم به بازارهای تشنه خلیج‌فارس، شبه‌قاره هند و پاکستان را محقق می‌سازد، بلکه ایران را به عنوان گره اصلی و چهارراه تجارت گاز در خاورمیانه تثبیت می‌کند. این کریدور جدید به معنای پیوند منافع مشترک زیرساختی در سطحی است که هزینه‌های تقابل نظامی را برای هر نیروی ثالثی به‌شدت بالا می‌برد.

توافقات جدید، افق مشارکت شرکت‌های بزرگ در توسعه میادین گازی و پروژه‌های فشارافزایی را روشن‌تر کرده است. در شرایطی که میادین پارس جنوبی و سایر ذخایر استراتژیک نیازمند نگهداشت تولید و ایستگاه‌های مدرن تقویت فشار هستند، ورود سرمایه و تجهیزات صنعتی از مسیر این پیمان‌های دوجانبه، تضمینی بر پایایی جریان صادرات و مصرف داخلی خواهد بود.

گشودن پنجره‌های تعامل با تولیدکنندگان نوظهور انرژی مانند سنگال در کنار مشورت‌های دایمی با رقبای سنتی و شرکای دیرین نظیر قطر، نشان از دکترین جدید ایران برای رهبری تفاهم‌ها در میان بازیگران زنجیره LNG و گاز خط لوله دارد؛ رویکردی که تلاش می‌کند مانع از رقابت‌های مخرب قیمتی در شرایط بحران جهانی شود.

تکیه اصلی راهبرد فعلی بر این پایه استوار است که «امنیت انرژی یک مفهوم تجزیه‌ناپذیر است.» نمی‌توان در یک منطقه از جهان شعله‌های تنش، ناامنی مسیرهای کشتیرانی و تحریم‌های تجاری را مشتعل نگاه داشت و همزمان انتظار داشت که بازار انرژی در لندن، برلین یا نیویورک در ثبات و آرامش باقی بماند. اقدامات مداخله‌جویانه قدرت‌های بزرگ و برهم‌زدن نظم‌های تجاری منطقه‌ای نه تنها زنجیره ارزش گاز و فرآورده‌های نفتی را با مخاطرات بی‌سابقه مواجه ساخته، بلکه فضای سرمایه‌گذاری برای آینده کربن‌زدایی و بازسازی تأسیسات قدیمی را هم خشکانده است. زمانی که امنیت پالایشگاه‌ها، پایانه‌های بارگیری و خطوط انتقال به گروگان معادلات خصمانه درمی‌آید، هزینه نهایی این ماجراجویی از جیب شهروندان و مصرف‌کنندگان نهایی پرداخت می‌شود.

تحولات پرشتاب این روزها نشان می‌دهد که معماری انرژی قرن بیست‌ویکم دیگر در انحصار پایتخت‌های غربی نیست. محور تهران مسکو باکو همراه با تعامل سازنده با قطب‌های گازی خلیج‌فارس، در حال ترسیم قطب‌نمای جدیدی برای دادوستد هیدروکربن در جهان است.

ایران با هوشیاری نشان داد که حتی در سخت‌ترین شرایط، عرصه دیپلماسی انرژی را رها نمی‌کند؛ بلکه برعکس، از ظرفیت‌های بی‌بدیل سرزمینی و ذخایر خدادادی خود به عنوان مهم‌ترین اهرم برای تضمین ثبات، جلب مشارکت‌های بزرگ زیرساختی و تثبیت اقتدار اقتصادی بهره می‌گیرد. پیام نشست اخیر رسا و شفاف بود: اگر جهان خواهان چرخ‌های روان صنعت و رهایی از شوک‌های کمرشکن است، باید دست از ماجراجویی در کانون‌های اصلی انرژی بردارد؛ چراکه در توفان‌های ژئوپلیتیک، هیچ ساحلی در امان نخواهد ماند.

بحران گازوییل جهان تا نیمه ۲۰۲۷ ادامه دارد

اختلال پالایشگاه‌ها و اُفت صادرات روسیه و خاورمیانه، بحران گازوییل را تا نیمه ۲۰۲۷ تداوم می‌دهد. به گزارش تسنیم، محدودیت عرضه گازوییل در بازار جهانی ممکن است تا نیمه سال ۲۰۲۷ ادامه پیدا کند؛ وضعیتی که در پی آسیب دیدن پالایشگاه‌های خاورمیانه و روسیه، اختلال در صادرات فرآورده‌های نفتی و به تعویق افتادن تعمیرات پالایشگاه‌ها در سایر مناطق جهان تشدید شده است.

براساس گزارشی که ایرینا اسلاو در پایگاه خبری اویل‌پرایس منتشر کرده است؛ با وجود تلاش تولیدکنندگان خارج از مناطق درگیر برای افزایش تولید، ظرفیت موجود برای جبران کاهش عرضه کافی نیست و افزایش تقاضای فصلی در ماه‌های سرد سال نیز می‌تواند فشار بیشتری بر قیمت سوخت وارد کند، در این شرایط، تحلیلگران معتقدند توافق امریکا و روسیه برای ارسال گازوییل به بازار این کشور نیز نمی‌تواند به‌تنهایی تغییر محسوسی در وضعیت عرضه جهانی ایجاد کند.

یکی از عوامل اصلی تداوم بحران، آسیب دیدن تأسیسات پالایشی در خاورمیانه است. پالایشگاه باپکو در بحرین که در هفته‌های ابتدایی جنگ هدف حملات منتسب به ایران قرار گرفت، اکنون به حدود ۷۵درصد ظرفیت کامل خود بازگشته است؛ با این حال، پالایشگاه جیزان عربستان سعودی همچنان از مدار تولید خارج است.

این پالایشگاه با ظرفیت روزانه ۴۰۰ هزار بشکه، یکی از مراکز مهم پالایش نفت عربستان در ساحل دریای سرخ به‌شمار می‌رود و در ماه‌های گذشته چندین بار هدف حمله قرار گرفته است. کنار محدودیت‌های تولید در خاورمیانه، صادرات گازوییل روسیه نیز با اُفت قابل توجهی روبه‌رو شده است. براساس این گزارش، حملات پهپادی اوکراین موجب شده است حدود نیمی از پالایشگاه‌های روسیه برای ماه‌ها از مدار خارج شوند، این وضعیت علاوه بر کاهش عرضه صادراتی، به کمبود سوخت در بازار داخلی روسیه و اعمال ممنوعیت صادرات گازوییل منجر شده است.

مجموع این تحولات، عرضه فرآورده‌های نفتی از دو منطقه مهم تولیدکننده را محدود کرده و فشار مضاعفی بر بازار جهانی وارد آورده است.

یکی از نکات مهم گزارش، تفاوت وضعیت صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی از تنگه هرمز است. براساس داده‌های برخی سامانه‌های ردیابی کشتی‌ها، جریان عبور نفت خام از این تنگه به سطوحی نزدیک به پیش از جنگ بازگشته است، اما صادرات فرآورده‌های نفتی همچنان با محدودیت مواجه است.

حمل محموله‌های سوختی به‌دلیل اشتعال‌پذیری بیشتر، در شرایط حمله به کشتی‌ها با ریسک بالاتری همراه است، همچنین فرآورده‌های نفتی معمولاً با نفتکش‌های کوچک‌تری حمل می‌شوند و همین موضوع می‌تواند بر روند انتقال محموله‌ها اثر بگذارد.

ازسوی دیگر، پالایشگاه‌های خارج از خاورمیانه و روسیه نیز طی ماه‌های گذشته با حداکثر ظرفیت فعالیت کرده‌اند تا بخشی از کمبود عرضه را جبران کنند، این پالایشگاه‌ها تعمیرات دوره‌ای خود را به تعویق انداخته‌اند، اما ادامه این روند می‌تواند احتمال خرابی تجهیزات و توقف‌های ناخواسته تولید را افزایش دهد، به این ترتیب، حتی اگر صادرات نفت خام بهبود یابد، بازگشت عرضه گازوییل به سطح عادی همچنان به احیای ظرفیت پالایش و عادی شدن صادرات فرآورده‌ها وابسته خواهد بود. در همین شرایط، دونالد ترامپ، رییس‌جمهور امریکا، از توافق با ولادیمیر پوتین برای تأمین گازوییل مورد نیاز امریکا از روسیه خبر داده است. براساس گزارش اویل پرایس، نخستین محموله این توافق شامل حدود ۴۰ هزار تن، معادل تقریباً ۳۰۰ هزار بشکه گازوییل با گوگرد بسیار پایین، هفته گذشته بندر پریمورسک روسیه در دریای بالتیک را ترک کرده است.

رابین میلز، مدیرعامل شرکت مشاوره انرژی قمر انرژی، با اشاره به حجم این محموله اعلام کرده است که میزان گازوییل ارسالی کمتر از یک‌دهم مصرف روزانه امریکا است، ازاین‌رو، تحلیلگران تأثیر این توافق بر عرضه جهانی و قیمت گازوییل را محدود ارزیابی می‌کنند، این محموله به‌تنهایی نمی‌تواند کمبود موجود را جبران کند و انتظار نمی‌رود پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا در ۳ نوامبر نیز کاهش محسوسی در قیمت سوخت ایجاد کند.

افزایش تقاضای فصلی، یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند بحران را تشدید کند. با نزدیک شدن به زمستان در نیمکره شمالی، تقاضا برای سوخت‌های گرمایشی افزایش می‌یابد؛ موضوعی که به‌ویژه در امریکا می‌تواند فشار بیشتری بر بازار گازوییل وارد کند. براساس اظهارات پاتریک دی‌هان، رییس بخش تحلیل نفت شرکت گس‌بادی، میانگین قیمت گازوییل در امریکا همچنان بالاتر از ۶ دلار به‌ازای هر گالن قرار دارد و قیمت بنزین نیز احتمالاً بالاتر از ۴ دلار باقی خواهد ماند. وی تأکید کرده است که با وجود اقدامات دولت امریکا برای کاهش فشار قیمت سوخت، از جمله کاهش مالیات سوخت در برخی ایالت‌ها، قیمت‌ها همچنان در سطح بالایی قرار دارند.

براساس داده‌های ارایه‌شده در این گزارش، قیمت بنزین امریکا حدود ۴۲،۳ سنت به‌ازای هر گالن بالاتر از میانگین روز انتخابات سال ۲۰۲۲ است. قیمت گازوییل نیز نزدیک به یک دلار در هر گالن بالاتر از میانگین ۵،۳۳دلاری آن در روز انتخابات سال ۲۰۲۲ قرار دارد.

این ارقام نشان می‌دهد که قیمت هر دو سوخت در مسیر ثبت بالاترین سطح خود در روز انتخابات امریکا قرار گرفته‌اند؛ هرچند این موضوع به‌معنای ثبت رکورد تاریخی قیمت در تمام روزهای سال نیست.

چشم‌انداز عرضه در سال آینده نیز با محدودیت‌هایی همراه است. براساس ارزیابی مورگان استنلی، بازار جهانی سوخت دست‌کم تا اواسط سال ۲۰۲۷ با شرایط عرضه محدود مواجه خواهد بود.

این موسسه مالی پیش‌بینی کرده است که در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۷، حجم ظرفیت پالایشی خارج‌شده از مدار به‌دلیل تعمیرات برنامه‌ریزی‌شده، به حدود ۲،۵ برابر میزان معمول تعمیرات بهاره پالایشگاه‌ها در سطح جهان برسد.

این تعمیرات که بخشی از آن به‌دلیل تعویق برنامه‌های نگهداری در سال جاری انباشته شده است، می‌تواند ظرفیتی بیش از مجموع ظرفیت پالایشی فعلی خارج از مدار در خاورمیانه و روسیه را از دسترس خارج کند. آژانس بین‌المللی انرژی نیز در گزارش ماهانه بازار نفت اکتبر خود هشدار داده است که محدودیتِ عرضه در بازار گازوییل و گازوییل گرمایشی احتمالاً تا میانه سال آینده ادامه خواهد داشت.

از سوی سخنگوی جایگاه‌های سوخت عنوان شد

پیشنهاد نرخ چهارم برای مصرف کنندگان پرمصرف بنزین

سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور سیاست تعیین نرخ چهارم بنزین برای مصرف‌کنندگان پرمصرف را راهکاری برای کنترل مصرف و تحقق عدالت در توزیع سوخت دانست و گفت: کسانی که به هر دلیل در ماه به مصرف بیشتری نیاز پیدا می‌کنند نباید بدون بنزین بمانند و تهیه سوخت با نرخ چهارم راهکار پاسخ به نیاز آنهاست.

رضانواز، سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور در گفت‌وگو با ایسنا، در رابطه با پیشنهاد تعیین نرخ چهارم برای بنزین به‌منظور کنترل مصرف سوخت و مدیریت ناترازی، اظهار کرد: اگرچه یکی از نگرانی‌ها درباره چندنرخی بودن سوخت، احتمال ایجاد فساد است، اما با توجه به اینکه تقریبا عموم مردم مصرف‌کننده بنزین هستند و سهمیه خود را مصرف می‌کنند، این نگرانی تا حد زیادی کاهش می‌یابد؛ به‌ویژه اینکه سهمیه سوخت در دو تا سه سال گذشته به‌طور مستمر کاهش یافته است.

نواز با بیان اینکه دولت می‌تواند تعریف نرخ چهارم بنزین را نیز بررسی کند، گفت: در این مدل، نرخ اول ۱۵۰۰ تومان، نرخ دوم ۳۰۰۰ تومان و نرخ سوم ۱۰ هزار تومان خواهد بود و نرخ چهارم نیز برای مصرف مازاد بر این پلکان‌ها در نظر گرفته می‌شود. وی ادامه داد: برآورد من این است که حدود ۹۰درصد دارندگان خودرو بتوانند از سه نرخ نخست استفاده کنند. در مقابل، برای گروه محدودی از مصرف‌کنندگان که میزان مصرف بسیار بالایی دارند و تمایلی به قرار گرفتن در پلکان‌های اول تا سوم ندارند، می‌توان نرخ چهارم را با قیمتی بالاتر تعریف کرد. البته خودروهای مشمول سهمیه‌های خاص، از جمله تاکسی‌های اینترنتی، باید در این محاسبات مورد توجه قرار گیرند.

سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور با تاکید بر اینکه تعیین نرخ چهارم می‌تواند به عدالت نزدیک‌تر باشد، تصریح کرد: افزایش مداوم نرخ سوم، به دلیل ایجاد فاصله قیمتی بیشتر، لزوما راهکار مناسبی نیست. با تعریف چهار پلکان، می‌توان مصرف‌کنندگان پرمصرف واقعی را بهتر شناسایی کرد و مشخص ساخت که چه تعداد از افراد با مصرف بسیار بالا حاضرند نرخ چهارم را بپردازند یا ترجیح می‌دهند مصرف خود را کاهش دهند و به پلکان‌های پایین‌تر بازگردند. در شرایط کنونی، تعریف نرخ چهارم می‌تواند به مدیریت مصرف سوخت کمک کند و دست سیاست‌گذار را برای تفکیک دقیق‌تر گروه‌های مصرف‌کننده باز بگذارد.

نواز در پاسخ به پرسشی درباره آثار تورمی تعیین نرخ چهارم بنزین و نگرانی مردم از افزایش قیمت سوخت، اظهار کرد: بررسی آثار اقتصادی افزایش قیمت بنزین در حوزه تخصصی کارشناسان اقتصادی قرار دارد. ما در بخش اجرایی فعالیت می‌کنیم و در تعیین قیمت و سهمیه نقشی نداریم، هرچند از تصمیمات این حوزه مطلع هستیم.

وی با اشاره به تغییرات نرخ ارز در سال‌های اخیر گفت: در گذشته که نرخ ارز ثبات بیشتری داشت، تغییر قیمت بنزین می‌توانست آثار مشخص‌تری بر اقتصاد و معیشت مردم بگذارد؛ اما اکنون با توجه به نوسانات مستمر نرخ ارز در بازار آزاد و بازار مبادله، بخش قابل توجهی از تورم به تغییرات نرخ ارز مربوط است. این به معنای بی‌تأثیر بودن قیمت بنزین بر تورم نیست، اما معتقدم تأثیر افزایش نرخ سوم به ۱۰ هزار تومان، با توجه به سهم مصرف‌کنندگان این نرخ، نباید بیش از اندازه برآورد شود.

سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور ادامه داد: وقتی بخش عمده مردم همچنان از نرخ‌های ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ تومانی استفاده می‌کنند، نمی‌توان افزایش قیمت بنزین برای بخشی از مصرف‌کنندگان را به‌تنهایی عامل ایجاد تورم گسترده در کشور دانست. اگر تمام سهمیه‌ها حذف می‌شد و بنزین با نرخ ۱۰ هزار تومان در اختیار همه مردم قرار می‌گرفت، افزایش هزینه سوخت در سبد خانوار می‌توانست آثار متفاوتی داشته باشد. وی با بیان اینکه در شرایط فعلی حدود ۸۵درصد مردم همچنان با نرخ‌های قبلی سوخت‌گیری می‌کنند، اظهار کرد: بنابراین، باید میان افزایش قیمت برای گروهی از مصرف‌کنندگان و افزایش قیمت برای تمام جامعه تفاوت قائل شد. نواز درباره آثار احتمالی نرخ چهارم نیز گفت: در میان افرادی که بیش از سهمیه خود مصرف می‌کنند، گروهی مصرف بالاتر و گروهی مصرف کمتری دارند. تعریف نرخ چهارم می‌تواند به تفکیک این گروه‌ها و هدایت بخشی از مصرف‌کنندگان به سمت پلکان‌های پایین‌تر کمک کند. وی افزود: یکی از مزیت‌های این پیشنهاد آن است که نرخ‌های اول، دوم و سوم بدون تغییر باقی می‌مانند و مصرف‌کنندگان پرمصرف می‌توانند درباره ادامه مصرف با نرخ بالاتر یا کاهش مصرف خود تصمیم بگیرند. این سازوکار هم به کنترل مصرف کمک می‌کند و هم از تحمیل افزایش قیمت به تمام مصرف‌کنندگان جلوگیری خواهد کرد.

رویداد

امکان مصرف برق بیش از قدرت قراردادی برای صنایع فراهم شد

سخنگوی صنعت برق از فراهم شدن امکان مصرف برق بیش از قدرت قراردادی برای مشترکان صنعتی فاقد بدهی خبر داد و گفت: در راستای حمایت از تولید و با توجه به وجود ظرفیت مناسب تولید برق، این دسته از مشترکان می‌توانند تا اطلاع ثانوی، با هماهنگی و به‌صورت ۲۴ ساعته، بیش از قدرت قراردادی خود برق مصرف کنند. به گزارش ایسنا، احسان ذبیح‌زاده، سخنگوی صنعت برق با اشاره به تداوم اجرای سیاست تأمین حداکثری نیاز مصرف برق صنایع اظهار کرد: این تصمیم با هدف تسهیل فعالیت واحدهای صنعتی، بهره‌گیری موثرتر از ظرفیت‌های موجود تولید برق و حمایت از استمرار و افزایش تولید در کشور اتخاذ شده است. سخنگوی صنعت برق تأکید کرد: بهره‌مندی از این امکان منوط به نداشتن بدهی بابت برق مصرفی و هماهنگی با شرکت برق طرف قرارداد است و مشترکان صنعتی واجد شرایط می‌توانند در چارچوب هماهنگی‌های انجام‌شده، به‌صورت شبانه‌روزی از ظرفیت تأمین برق بیش از قدرت قراردادی خود استفاده کنند. وی در پایان خاطرنشان کرد: صنعت برق با استفاده از ظرفیت‌های موجود و اتخاذ تدابیر لازم، تأمین برق مورد نیاز بخش تولید را با هدف پشتیبانی از فعالیت‌های صنعتی و کمک به رشد اقتصادی کشور دنبال می‌کند.

دیپلماسی فشرده انرژی ایران در مسکو

سرپرست وزارت نفت از گسترش همکاری‌های ایران، روسیه، جمهوری آذربایجان و قطر در مسیر گسترش همکاری‌های نفت و انرژی خبر داد. به گزارش ایلنا، حمید بورد با اشاره به فعال بودن هم‌زمان دیپلماسی سیاسی و انرژی ایران، از دستاوردهای رایزنی‌های فشرده با مقام‌ها و شرکت‌های بزرگ انرژی روسیه و دیگر کشورهای عضو مجمع کشورهای صادرکننده گاز (جی‌ای‌سی‌اف) برای توسعه همکاری‌های نفت و گاز و تعریف طرح‌های مشترک خبر داد و گفت: در دیدار دوجانبه با روسیه، افق تازه و معناداری از همکاری‌های دو کشور در حوزه نفت و انرژی تعریف شد و طرح‌های مناسبی برای توسعه همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری طرف روس در میدان‌های نفتی و سایر طرح‌های مشترک اجرا خواهد شد. سرپرست وزارت نفت افزود: در این نشست، زمینه‌های همکاری مشترک بررسی و برنامه‌های مناسبی برای ادامه همکاری‌ها بین روسیه و جمهوری آذربایجان تنظیم و در کنار مذاکرات سیاسی، گفت‌وگوهای تخصصی و فنی در حوزه انرژی نیز با جدیت دنبال شد و دستاوردهای امیدوارکننده‌ای به همراه داشت. او گفت: حضور رییس جمهور در این نشست، بیانگر جدیت کشور در توسعه دیپلماسی انرژی است. براساس این مصوبه که با استناد به اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به تصویب رسیده، کارگروه موضوع بند (۸) مجاز است به منظور مدیریت مصرف و جلوگیری از هدررفت منابع، قیمت و سهمیه فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی در بخش‌های مختلف مصرفی را مورد بازبینی قرار دهد. در این ابلاغیه تأکید شده است که اقدامات مربوط به اصلاح قیمت و بهینه‌سازی سهمیه‌ها باید با در نظر گرفتن همه‌جانبه ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی انجام شود. این مصوبه به وزارتخانه‌های نفت، کشور، امور اقتصادی و دارایی، اطلاعات، سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، سازمان برنامه و بودجه کشور، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت ابلاغ شده است.

ادامه از صفحه اول

دست‌انداز بی‌ثباتی و خودروهای بالای ۱۰ میلیارد

بنابراین، برای عبور از این بن‌بست، اجرای سه گام بنیادین ضرورت تام دارد:

نخست) برقراری ثبات اقتصادی همه‌جانبه و مهار متغیرهای کلان تورم‌زا.

دوم) به حرکت درآوردن چرخ‌های صنعت خودروسازی و احیای خطوط تولید، به‌نحوی که حجم عرضه با حجم تقاضای انباشته بازار هماهنگ شود و همزمان واردات منطقی و منظم استمرار یابد.

سوم) ثبات‌بخشی به نرخ ارز در میان‌مدت و درازمدت.

اگر شرایط کشور به سمتی پیش برود که چرخ صنعت و تولید ملی به گردش درآید و در کنار آن، نرخ دلار روند نزولی به خود بگیرد یا دست‌کم ثبات پایدار را تجربه کند، بازار خودرو نیز به تبع آن از حالت سوداگرانه خارج شده و سرانجام روند کاهشی قیمت‌ها را به خود خواهد دید. تا پیش از تحقق این پیش‌شرط‌ها، هرگونه مداخله دستوری صرفاً چرخ‌دنده‌های اقتصاد خودرو را بیشتر خرد خواهد کرد.

افزایش اعتبار کالابرگ لازم اما ناکافی

پرواضح است، در شرایط محدودیت منابع کشور، بازنگری در هزینه‌های کم‌اولویت، افزایش بهره‌وری مخارج عمومی و اولویت‌بخشی به تامین کالاهای اساسی نیز ضرورتی جدی است. در این راستا گسترش پوشش حمایتی و اتخاذ تدابیر موثر برای کنترل قیمت‌ها یک ضرورت است. حمایت از معیشت مردم باید در مرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و بودجه‌ای قرار گیرد، نه آنکه به پرداخت‌های مقطعی و تصمیم‌های کوتاه‌مدت محدود شود. مطالبه روشن است: افزایش اعتبار کالابرگ متناسب با تغییرات هزینه زندگی، انتشار گزارش شفاف منابع و مصارف طرح، گسترش پوشش حمایتی و اتخاذ سیاست‌های موثر برای مهار تورم. افزایش اعتباری اخیر گامی مثبت است، اما حمایت واقعی زمانی محقق می‌شود که مردم آثار آن را در خرید کالاهای ضروری و بهبود وضعیت معیشت خود احساس کنند. سفره مردم باید معیار نهایی ارزیابی سیاست‌های حمایتی باشد.